

## آخرین لحظات عمر امام (ره) از زبان مرحوم احمد خمینی

۲۹ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۵۶

یادگار امام این لحظات را اینگونه بیان می کند: «در آن لحظات آخر که من بالای سر ایشان بودم، هیچ وقت ندیدم که امام این قدر زیبا بشوند. یک جمال به این زیبایی را در این ده ساله انقلاب هیچ وقت در امام ندیده بودم. گویی تمام صفات خدا، تمام کمال و جمالش در صورت امام متجلی شده بود؛ واقعا آنجا فهمیدم که امام، مظهر خدا شده. حدود ساعت دوازده ظهر بود که خدمت ایشان رفتم. سلام کردم. با چشم فقط اشاره کردند. نگاه کردم، دیدم که شاید بیش از صد مرتبه در آن لحظه ذکر می گفتند.

«روح بلند پیشوای مسلمان و رهبر آزادگان جهان، حضرت امام خمینی به ملکوت اعلا پیوست»؛ این جمله ی به یاد ماندنی، اما جانسوزی بود که مردم ایران در روز چهاردهم خرداد ماه سال ۱۳۶۸ از تلویزیون های خود شنیدند. جمله یی که از دست دادن پدر معنوی میلیون ها ایرانی را خبر می داد. ایران پس از آن به سوگ نشست.

یادگار امام این لحظات را اینگونه بیان می کند: «در آن لحظات آخر که من بالای سر ایشان بودم، هیچ وقت ندیدم که امام این قدر زیبا بشوند. یک جمال به این زیبایی را در این ده ساله انقلاب هیچ وقت در امام ندیده بودم. گویی تمام صفات خدا، تمام کمال و جمالش در صورت امام متجلی شده بود؛ واقعا آنجا فهمیدم که امام، مظهر خدا شده. حدود ساعت دوازده ظهر بود که خدمت ایشان رفتم. سلام کردم. با چشم فقط اشاره کردند. نگاه کردم، دیدم که شاید بیش از صد مرتبه در آن لحظه ذکر می گفتند.

مرحوم حاج احمد آقا در ادامه افزوده اند: ساعت ۱۲ ظهر همان روز (آخر) گفتند، خانم ها را صدا بزنید، کارشان دارم. وقتی خانم ها رفتند، گفتند که این راه، راه سختی است و بعد هی می گفتند: گناه نکنید. ...

لحظه ی آخرین تپش های قلب امام راحل (ره) از زبان پسرشان اینگونه توصیف شده است: ساعت ۱۰ و ۲۰ دقیقه شب بود که نوار صاف شد. پاسداران ریختند و شروع به گریه کردند، صورت امام گرم گرم بود. چقدر این صورت لاغر و مریض، درشت و روشن شده بود. چقدر نورانی بود. ده روز درد کشنده داشتند، ولی حرفی نمی زدند. هر بار می پرسیدیم: آقا چطورید؟ می گفتند: انشاءالله تو سلامت باشی.

آقای عیسی جعفری: در آخرین شبی که امام در منزل بودند و می خواستند ایشان را به بیمارستان ببرند، من و دکتر، کنار امام ایستاده بودیم. خانم داشتند می آمدند. سر پله ها که رسیدند، امام فرمودند: «خانم خداحافظ شما دیگر زحمت نکشید». ایشان

ظاهراً متوجه نشدند. یک بار دیگر امام فرمودند: «خداحافظ شما نیایید.» و بار سوم در حالی که دست به سینه مبارک شان گرفته بودند، خیلی مؤدبانه فرمودند: «خداحافظ خانم!». امام همیشه با احترام و خیلی مؤدب با همسرشان صحبت می کردند، همان طور که با همه مؤدب بودند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۹۷۷/آخرین-لمحظة-امام-عمر-لمحظة-آخرین-۲۱۹۷۷>